

میدان

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی
شماره پنجم، تابستان و پاییز ۹۸

اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی از منظر قرآن و روایات

* غلام‌حسین اعرابی

** سعید مرادی کیاسرائی

چکیده

شیوه تدریج در «نزول و ابلاغ» یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که اسلام برای دستیابی به اهداف معین‌شده خود در جامعه و هدایت و راهبری مردم و برخورد با انحرافات و عقاید نادرست به کار گرفت. التفات به واقعیت‌های زمانه و شرایط آن باعث شد شارع همواره سطح مخاطب، نوع معرفت انتقال داده شده و عمق تغییر در زندگی را ملاک بیان و اجرای تدریجی معارف و احکام دین قرار دهد. این مبانی که در نزول قرآن و تشریح دین در عصر نزول به کار گرفته شد، در سیره نبوی و ائمه به‌ویژه در اجرای احکام به کار رفت. روش تدریج و اثرات تعلیمی و تربیتی آن مبتنی بر دلایل عقلانی و به‌منظور رفق و مدارا با مردم است. بنابراین در عصر غیبت نیز توجه به این روش در اجرای احکام دور از نظر نیست.

واژگان کلیدی: نزول تدریجی، روش تربیتی قرآن، اصول تربیتی، سیره تربیتی معصومان، تشریح تدریجی.

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم golamhosein.arabi@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول) Saeedkia1410@gmail.com

تاریخ دریافت ۹۸/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰/۲۳.

مقدمه

قرآن، این کتاب آسمانی و راهنمای کل بشر و محور همه قوانین حقوقی و اجتماعی و سیاسی و عبادی مسلمانان، کامل و يك جا بر پیامبر اسلام ﷺ نازل نشد، بلکه پیوسته از آغاز تا انجامش کتابی است که با حوادث عصر خود یعنی با ۲۳ سال دوران نبوت پیامبر اسلام ﷺ و رویدادهایش پیوند و ارتباطی ناگسستنی دارد.

متفکران اسلامی که به «حکمت الهی» در تشریح اعتقاد دارند، «تدریج در تشریح» را برخاسته از «درک حکیمانه» و نگاه واقع بینانه به وضع زندگی بشر دانستند؛ زیرا «شریعت» به اقتضای «طبیعت» بشر است و تغییر خلق و خو و تصحیح رفتارها در طبیعت انسان امری تدریجی است. لذا شریعت هم باید «تدریجی» بیان و اجرا شود تا به مرور زمینه‌های عینیت یافتن آن به وجود آید. پیش از این درباره نزول تدریجی قرآن و بیان احکام آن در کتب علوم قرآن و تفسیر بحث شده است. علاوه بر این پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی نظریه تدریج در سیر تشریح احکام قرآن» از مصطفی شادمان در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه تهران دفاع شده است. اینها بیشتر بیانگر تدریجی بودن تشریحات قرآن‌اند و به مباحث تربیتی آن توجه نکرده‌اند. همچنین به این موضوع به تناسب در کتب فقهی و از منظر فقهی پرداخته شده است. گاه هم چون مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی: عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت» (همت بناری، ۱۳۹۶، ص ۳۷ - ۶۲) که به نکات تربیتی احکام فقهی توجه شده است. اثر دیگر در پیشینه این کار اثری با عنوان «سیر تدریجی تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر در قرآن» است (کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، انسانی، آذر ۱۳۹۵) که صرفاً به بیان سیر تدریجی این مورد خاص پرداخته و به مسائل تربیتی آن بی‌توجه بوده است.

این پژوهش ضمن تبیین اصول تربیتی، بیان و اجرای تدریجی در قرآن به این سوالات نیز پاسخ می‌دهد که آیا این روش تنها ویژه قرآن است یا در سنت نبوی و عصر ائمه شواهدی دال بر بیان و

اجرای تدریجی مبتنی بر اصول تربیتی هست؟ آیا می توان این روش تربیتی قرآنی را در دوره غیبت معصوم نیز به کار گرفت و همچنان برای اجرای احکام از اصل تدریج و ثمرات تربیتی آن بهره برد؟

۱. قرآن کریم و اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی

قرآن کریم برای ابلاغ پیام و برقراری ارتباط با مخاطبانی که قصد هدایت و اصلاح آنان را دارد، از زبان و فرهنگ آن قوم کمک گرفت که برای آنان مانوس و آشنا بود. این امر نه به معنای تأثیرپذیری از فرهنگ زمان است، بلکه نشان می دهد صاحب وحی آگاه از واقعیت ها و جریان های زمان از جمله شرایط اجتماعی و فرهنگی و مصالح موجود مردم آن عصر در جهت تصحیح و هدایت است.

فرهنگ سازی قرآن و شیوه تربیتی که در دوره نزول قرآن موجب تحولات جامعه شد، از سه مکانیسم بیان تدریجی مجموعه احکام و معارف و حیاتی دوره نزول قرآن، بیان نوعی خاص از تشریح و تعلیم معارف توحیدی و بیان مرحله ای و تأخیری برخی احکام خاص بهره برد؛ اما اتخاذ این روش بر چه اصول و مبانی ای استوار است؟

۱ - ۱. تدریج در بیان معارف بر اساس سطح مخاطب

بدوی بودن فرهنگ مردم در عصر نزول و درک محدود آنها به عنوان مخاطبان اولیه قرآن موجب شد احکام به صورت تدریجی و گام به گام برای مردم عصر نزول تشریح و بیان شود. تدریجی بودن تشریح احکام راهی برای حصول استعداد و آمادگی بیشتر مردم در به کار بستن مقررات اسلام و ناشی از لطف و رحمت الهی برای به سختی و رنج نیفتادن مسلمانان بود (اسلامی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۵۹). بنابراین قرآن به تدریج نازل و ابلاغ می شد تا جامعه قدرت جذب و پذیرش آن را با آمادگی بیشتر و بهتر داشته باشد (شهابی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۵).

قرآن کریم در تربیت اولین نسل مخاطبان خود، به خشونت و شدت و سرعت، اعمال حکم نکرد و با ظرافت ابتدا آمادگی لازم و فضای ذهنی مناسب را در جهت درک و دریافت معارف توحیدی مهیا ساخت؛ سپس به تدریج و پله پله او را به حکم مطلوب رساند؛ چنان که رامیار می نویسد: «حرکت تاریخی اسلام و تحرکی که در مسلمان ها ایجاد کرد و شور و نشاطی که در پیکر جامعه بشری دمانید، آن روح قوی و پرصلابت مسلمان ها، آن ایثار و فداکاری ها، آن گذشت ها و بذل جان ها، همه و همه جریان عظیمی بود که از حرکت و ایمان مسلمین صدر مایه می گرفت و آن حرکت و ایمان هیچ سرّ و رمزی نداشت، جز این نزول تدریجی آیات» (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۲۰۱-۲۰۲).

۱ - ۲. تدریج در بیان با توجه به نوع معرفت

درباره چگونگی تعلیم معارف اعتقادی، اخلاقی و فقهی در سیر نزول ۲۰ یا ۲۳ ساله وحی، غالب دانشمندان و پژوهشگران قرآنی بر این عقیده‌اند که اعتقادیات و اخلاقیات بیشتر در مکه و احکام فقهی عمدتاً در مدینه نازل شده است و این را به‌عنوان یکی از ملاک‌های تمایز آیات و سوره‌های مدنی از هم مطرح کرده‌اند (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۶-۶۰۷؛ معرفت، ۱۳۸۲، ص ۵۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۸؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۱ و ۱۹۵-۱۹۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۱-۸۲؛ معارف، ۱۳۸۲، ص ۶۶-۶۷ و ۱۰۵-۱۰۶). این نه‌بدان معناست که در دوره مکه احکام فقهی بیان نشده (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۱؛ معرفت، ۱۳۸۱، ص ۸۷؛ حکیم و لسانی فشارکی، ۱۳۷۸، ص ۸۵) یا در دوره مدینه بحثی از اعتقادات و اخلاق به میان نیامده، بلکه نظر اکثر قریب به اتفاق محققان این است که موضوعات اعتقادی، اخلاقی و فقهی را هم در آیات مکی و هم در آیات مدنی می‌توان سراغ گرفت (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۲).

پس تفاوت اساسی سوره‌های مکی و مدنی در اصل مطرح شدن و نشدن این مطالب در آن دو دوره نیست، بلکه آنچه به‌عنوان تفاوت اساسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی مورد توجه است، نحوه طرح و بیان این سه دسته از مطالب و معارف و حیانی است؛ به این معنا که در مکه سیر تعلیم از اعتقادات به اخلاق و احکام بوده است و در مدینه به‌عکس از احکام به اخلاق و اعتقادات، و این سیر نیز یا بر اساس اغلیبیت است یا اولویت.

بر اساس اغلیبیت، با نگاهی آماری به آیات و سوره‌های مکی و مدنی درمی‌یابیم که در مکه بالاترین فراوانی به آیات اعتقادی و سپس آیات اخلاقی و از آن پس آیات احکام مربوط است (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۶-۶۰۷؛ معرفت، ۱۳۸۲، ص ۵۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۸؛ زرقانی بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۱ و ۱۹۵-۱۹۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۱-۸۲؛ معارف، ۱۳۸۲، ص ۶۶-۶۷ و ۱۰۵-۱۰۶). درمقابل در مدینه بالاترین حد نمودار به احکام و معارف فقهی اختصاص دارد و بعد از آن اخلاق قرار دارد و کمترین، از آن آیات اعتقادی است (بازرگان، ۱۳۸۶، ص ۲۵-۲۸).

بر پایه اولویت که به معنای محوریت است، در مکه بیشتر بر فکر و اندیشه مخاطبان و شکل‌دهی مبانی اعتقادی آنها تکیه شده است. سپس ایجاد ملکات اخلاقی و در آخر تبلیغ احکام فردی و اجتماعی به آنها مد نظر است. در مدینه، سامان‌دهی نظام فردی و اجتماعی (احکام) اولویت نخست است و اخلاق و اعتقادات در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

به نظر می‌رسد که این نگاه به حکم عقل نیز مورد تأیید است؛ زیرا در فضای شرك‌آلود و مملو از آداب زشت و ناپسند جاهلی مکه، برای ایجاد تمدن و حیانی اسلام، بیش و پیش از هر چیز باید ساختارها و مبانی ذهنی و ثنیت را ریشه‌کن ساخت و جهان‌بینی الهی و توحیدی را جایگزین آن کرد و بعد به زدودن آداب و رسوم جاهلی همت گمارد و مردم را به اخلاق اسلامی متخلق ساخت و در آخر عمل به اوامر و نواهی فقهی را خواستار شد. بدیهی است در چنین فضایی و برای تأمین چنان هدفی نمی‌توان ابتدا امثال احکام فقهی را مطالبه کرد یا سجایا و ملکات اخلاقی را درخواست کرد.

در مقابل، در مدینه که جامعه اسلامی و دینی شکل گرفته است و مردمی با بنیان‌ها و بنیادهای فکری توحیدی و تا حدودی متخلق به اخلاق اسلامی و مؤدب به آداب الهی کنار هم جمع شده‌اند، دیگر مثل جامعه مکی ضرورت ندارد که اعتقادات اولویت نخست باشد و تعلیم الهی همان سیر را داشته باشد، بلکه در چنین فضایی برای تثبیت تمدن و حیانی اسلام، باید به دنبال تکثیر و تداوم عمل به احکام شریعت بود تا در سایه آن ملکات اخلاقی تثبیت شود و دنبال آن جوهره اعتقادی و ایمانی مسلمانان توسعه یابد (اسماعیلی زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۱-۸۴؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۲).

۱-۳. تدریج در بیان با توجه به عمق تغییر

توجه شارع به موضوعات و احکامی که دگرگونی اساسی در زندگی مردم ایجاد می‌کرد، موجب شد این احکام به تدریج بیان و اجرا شود؛ زیرا امکان بیان و اجرای آنها در بین مردم یک‌باره حتی پس از گذشت سال‌های اولیه بعثت وجود نداشت و آیات قرآن و همچنین روایات تاریخی در این زمینه بر نزول تدریجی برخی اجزای آنها تصریح دارند.

به تعبیری قرآن علاوه بر آنکه خود به تدریج بر پیامبر ﷺ نازل و به مردم ابلاغ می‌شد، در تشریح برخی اصول و فروع و در بیان واجبات و محرمات و حتی اخلاقیات نیز شیوه تدریج را به کار گرفته و عنصر زمان و مکان را رعایت کرده است؛ از این رو احکام و قوانینی که از بین بردن آن مستلزم زمانی طولانی‌تری بود، مثل بیان تدریجی حکم شراب (ر.ک: شهابی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸ و ۲۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۷۰؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۲۰۱)، تحریم تدریجی ربا (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۲۸) و بیان تدریجی حکم برده‌داری (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱، ص ۴۱۳ و ۴۱۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۳۴۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰-۱۷۴) با در نظر گرفتن همین اصل بود و احکام و قوانینی که ایجاد آنها نیازمند آمادگی بیشتر بود،

همانند حکم زکات (شهابی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۵۳؛ سویلم، ۱۴۲۸ق، ص ۲۶-۲۷) و وجوب حکم («حجاب») (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۹۷-۱۱۸. نیزرک: سعیدی، ۱۳۹۳) و تشریح حکم جهاد (بازرگان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶ و ۱۱۳-۱۵۲؛ رامیار، ۱۳۶۹، ص ۵۶۸؛ معرفت، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۶ و ۳۱۵-۳۱۶) با تدریج و تأخیر بود.

۲. سنت و اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی

پیش‌تر روش تربیتی قرآن که مبتنی بر تدریج و با توجه به شرایط و مقتضیات بود، بیان شد. باید دید آیا این روش تنها در نزول قرآن مورد توجه شارع بوده است یا در سنت نبوی و ائمه نیز می‌توان شواهدی بر تدریج در بیان و اجرای دین یافت. بدون شک بخش عظیمی از حقایق و معارف قرآن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مردم گفته و اجرا شد و پس از پیامبر حفظ و تبیین آن به اهل بیت علیهم السلام واگذار گردید. معصومان نیز از تغییر و تحول تدریجی به‌عنوان شیوه‌ای برای ایجاد تغییر و تحول مردم عصر خود و هدایت آنها در مسیر بندگی بهره بردند.

۲-۱. تدریج با توجه به ظرفیت مخاطب

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با شناخت کامل مخاطبان برای هدایت آنها شیوه‌های متفاوتی به کار گرفت و با آنان به اندازه فهم و درکشان سخن گفت؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم از عمق عقل خویش سخن نمی‌گفت، بلکه می‌فرمود: ما گروه پیغمبران مأموریم با مردم به اندازه عقل خودشان سخن گوئیم (همان، ج ۱، ص ۲۳).

در کتاب کافی یک باب در خصوص ضرورت توجه به اقتضای روحیات و گرایش‌های مردم در اعلام و اجرای احکام دینی و استفاده از شیوه تدریج وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، باب «أَنَّ الْخَمْرَ لَمْ تَزَلْ مُحَرَّمَةً»، ج ۶، ص ۳۹۵، ح ۱، ج ۲، ص ۳). در روایات اول این باب، امام صادق علیه السلام، پس از اشاره به همیشگی بودن حرمت شرب خمر، از علت تأخیر در بیان آن سخن می‌گوید و می‌فرماید: «مَا بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَفِي عِلْمِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ إِذَا اكْمَلُ لَهُ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَلَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا إِنَّ الدِّينَ أُنْمَا يُحَوَّلُ مِنْ حَصَلَةٍ إِلَى أُخْرَى فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ جُمْلَةً قُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ: خداوند هیچ‌گاه پیامبری مبعوث نکرد، مگر آنکه در علم خداوندی چنین بود که هنگامی که دین را برای او کامل کرد، حرام بودن شراب در آن هنگام باشد و همیشه شراب حرام بوده است. به‌راستی که دین از یک حکم به حکم دیگر منتقل می‌شود و اگر [احکام] دین یک‌باره بیان می‌شد، مردم در مقابل دین در مانده

می شدند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۹۵، ح ۱). در روایت دوم این باب امام باقر علیه السلام همان قاعده را فرموده اند: احکام دین یکی پس از دیگری و به تدریج می آید تا برای مردم قابل قبول باشد (ر.ک: همان، ح ۲). روایت سوم نیز ضمن تکرار این مضمون علت تدریج را رفق و مدارای الهی دانسته است؛ زیرا اگر همه احکام را یکباره بر آنان قرار می داد، هلاک می شدند. چنان که آمده است: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَفِي عِلْمِ اللَّهِ أَنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَلَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا وَإِنَّمَا يُنْقَلُونَ مِنْ خِصْلَةٍ إِلَى خِصْلَةٍ وَلَوْ حِمْلَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَقُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ قَالَ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام لَيْسَ أَحَدٌ أَزْفَقَ مِنَ اللَّهِ عليه السلام فَمِنْ رَفْقِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ نَقَلَهُمْ مِنْ خِصْلَةٍ إِلَى خِصْلَةٍ وَلَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَهَلَكُوا» (همان، ح ۳).

عبارت «قطع بهم دون الدین» به معنای آن است که اگر توقع دین داری یک جا وجود داشته باشد، این هدف تحقق نمی یابد و این بار به منزل نمی رسد (محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۲۴؛ محمد تقی مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۲۹۲). فیض کاشانی در توضیح این روایت گفته است: یعنی خداوند سبحان تکالیف و دستورهای خود را تدریجاً و به مرور ارائه می کند تا قلب مردم آن را بپذیرد؛ درحالی که اگر دفعتاً واحده بر ایشان قرار می گرفت، از دین نفرت پیدا می کردند و ایمان نمی آوردند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۵۹۹).

از آن نظر که افراد در ایمان متفاوت اند، مدارا اقتضا می کند کسی به دلیل پایین بودن درجه ایمان در انزوا قرار نگیرد و متناسب با آن بازخواست شود. از این رو در سیره معصومان علیهم السلام می بینیم آن بزرگواران تأکید فراوانی بر این مسئله کرده اند؛ به گونه ای که یکی از شیعیان در حضور امام صادق علیه السلام از جمعی یاد می کند و می گوید ما از آنان بیزار می جوییم؛ زیرا آنان به آنچه ما قائلیم، قائل نیستند. امام علیه السلام در جواب می فرماید: اگر چنین است، ما هم از مزایایی برخورداریم که شما از آنها بی بهره اید. پس ما هم باید از شما بیزاری جوییم؟ و خدا هم حقایقی می داند که ما نمی دانیم. به نظرت ما را دور می اندازد؟ سپس امام با تشویق به رفق و مدارا سهم مردم از دین داری را مختلف می داند و می گوید: سزاوار نیست بر دوش آن که از اسلام یک سهم دارد، به اندازه ی آن که دو سهم دارد، بار بگذاریم... و آن که شش سهم دارد، بر عقیده و ایمان آن که هفت سهم دارد، وادار شود. ایشان در ادامه فرمود: بر آنان سخت نگیرید، مگر نمی دانید که امامت ما بر رفق و مدارا و انس و وقار است. مردم را به دینتان و آنچه بر آنید، ترغیب کنید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۳-۴۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۶۰-۱۶۱).

۲ - ۲. تدریج با توجه به نوع معرفت

سنت نبوی و سیره ایشان با نزول تدریجی قرآن گره خورده است. بنابراین برخی موارد همچون اولویت بندی در معارفی که باید به مردم آموخته شود، در کنار تدریج نزول قرآن معنا پیدا می‌کند. رسول خدا ﷺ بر اساس آموزه‌های قرآن رسالت خود را از تحول در زیرساخت‌های فکری جامعه آغاز کرد و در مرحله نخست بنیادهای اعتقادی مردم را تغییر داد و آنان را از شرک به توحید درآورد. سپس به تحکیم اصول اخلاقی پرداخت و بعد از آن شریعت در قالب اصولی روشن ارائه و در نهایت این مجموعه «اعتقاد، اخلاق و فقه» به جهانیان عرضه شد: بیایید تا آنچه را حرام شده، برایتان بازگو کنم: به خداوند شرک نوزید؛ به والدین خود نیکی کنید؛ فرزندان خویش را از ترس گرسنگی نکشید؛ به کارهای زشت نزدیک نشوید؛ انسان بی‌گناه را به قتل نرسانید؛ به مال ایتام دستبرد نزنید؛ کیل و وزن را عادلانه تحویل دهید؛ در گفتارتان عدالت را رعایت کنید؛ به پیمان‌هایتان وفادار باشید. سپس پیامبر ﷺ فرمود: سفارش خداوند و صراط مستقیم این است: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ...﴾ (انعام: ۱۵۱ - ۱۵۲).

قرآن در گام‌های نخست همه دستورهای الهی را به‌گونه‌ای جمع کرده که حتی عقل افراد عامی و کوتاه‌فکر از پذیرفتن آن سر باز نمی‌زند؛ زیرا هرکس کمترین خردی داشته باشد، در ضرورت «پرهیز از زشتی‌ها» تردید نمی‌کند و هیچ‌کس «بدی به پدر و مادر» یا «قتل فرزند» یا «خوردن مال یتیم» را به حکم فطرت خویش و عواطف انسانی نمی‌پسندد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۷۲ - ۳۷۳).

آنچه در این دوره از مردم خواسته می‌شد، نه به لحاظ کمیّت مشتمل بر تکالیف بسیار و فراوان و نه به لحاظ کیفیت در بردارنده دستورهای سخت و سنگین بود. در همین شرایط بود که مواد شریعت به شکل تدریجی ارائه می‌شد و مسلمانان در ارتکاب بسیاری از رفتارهایی که در واقع حرام بود، آزاد بودند (سروش محلاتی، ۱۳۹۵، ص ۱۰ - ۱۱).

۲ - ۳. تدریج با توجه به عمق تغییر

برخی دستورهای دینی تغییر مهمی در زندگی مردم ایجاد می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌هایی که قرآن برای بیان حکم آن با تدریج عمل کرد، آیات تحریم تدریجی خمر است. این روش در سنت معصومان علیهم‌السلام نیز ادامه یافته است؛ به طوری که قرآن «کیفر و حدی» برای

شرب خمر بیان نکرده است؛ اما مجازات شکستن آن در سنت بیان شده و در این مجازات نیز تدریج در نظر گرفته شده است؛ به طوری که به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است: «قُلْتُ لَهُ كَيْفَ كَانَ يَجْلِدُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ فَقَالَ كَانَ يَضْرِبُ بِالْبَعَالِ وَيَزِيدُ كُلَّمَا أَتَى بِالشَّارِبِ ثُمَّ لَمْ يَزَلِ النَّاسُ يَزِيدُونَ حَتَّى وَقَفَ عَلَيَّ ثَمَانِينَ...: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مجازات شرب خمر به تنبیه خطاکار به وسیله ضربه کفش اکتفا کرد. سپس به مرور این مجازات افزایش یافت و تدریجاً به هشتاد تازیانه رسید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۱۴-۲۱۵). به تعبیر فیض کاشانی، همان گونه که اصل تحریم شرب خمر سیری تدریجی داشت، مجازات شاربان خمر نیز همین مسیر را طی کرد و یکبار در این زمینه سخت گیری و اعمال فشار نشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۲۸۹)؛ زیرا اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در اقدامی انقلابی و با تصمیمی یکبار مبادرت به ریشه کن کردن فساد می کردند و با اعمال قدرت جلو گناهان را می گرفتند و همه ابعاد شریعت را دفعتاً به اجرا می گذاشتند، بی تردید آن برای مردم دشوار و سخت می آمد و فقط افراد نادری به آن گرایش پیدا می کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵۷).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در دعوت به اسلام هرگز به زور و اجبار متوسل نمی شد؛ تا آنجا که در سرزمین هایی که فتح می کرد، مردم را بین دو کار مخیر می گذاشت: یا اسلام بیاورند و در شمار مسلمانان باشند یا در دین خود باقی بمانند و از نظر سیاسی حاکمیت حاکم را بپذیرند (عبدالمحمدی، ۱۳۸۵، ۸۵-۱۰۶). لذا دعوت اسلام در اظهار احکام خود و اجرای آن راه تدریج را پیش گرفته و رعایت ارفاق را کرده تا مردم به خوبی و با حسن قبول با آن مواجه شوند و فهم آنان نیز پذیرش و کشش چنین امری را داشته باشد؛ چراکه تصور پذیرش همه معارف اعتقادی، اخلاقی و کلیات احکام عبادی و عمل به آنها تأثیر و حاکم سازی آن دستورها بر قلب و اراده و اعضا و جوارح در وهله نخست غیر ممکن و بعید به نظر می رسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۰).

یکی دیگر از نمونه های تأخیر در اجرای حکم و رعایت تدریج در آن مسئله «خمس ارباح مکاسب» است.

اصل و اخذ وجوب خمس با توجه به آیه خمس (انفال، ۴۱) و بعضی روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شده، قطعی و مسلم است (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، «کتاب الخُمس»، ج ۹، ص ۴۸۳-۵۰۸) و بر اساس شواهد تاریخی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، هم خمس غنایم و هم خمس غیر غنایم مثل خمس گنج ها یا خمس معادن دریافت می شد؛ اما تاریخ در خصوص جمع آوری خمس ارباح مکاسب (درآمد انواع کسب ها) در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

علی علیه السلام مطلبی نقل نکرده است. هرچند حکم آن در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت و انشا شده، تبلیغ و بیان آن برای مردم تا زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام به تأخیر افتاده است. بسیاری از ائمه هدی علیهم السلام در عصر خود نه تنها خمس ارباح مکاسب را می‌گرفتند، بلکه به مردم دستور مؤکد می‌دادند که در پرداخت این خمس کوتاهی نکنند و حتی وکلا و نمایندگان مخصوص برای جمع‌آوری این خمس معین فرموده بودند و اشخاصی مانند علی بن مهزیار و ابوعلی بن راشد این وظیفه را به عهده داشتند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، «کِتَابُ الْخُمْسِ»، ج ۹، ص ۴۹۹-۵۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۶؛ نیزرک: نورمفیدی، ۱۳۹۴).

در کتاب‌های حدیثی، در باب جهاد، بابی با عنوان «دعاء العدو» آمده و ضمن آن در این باره مطالبی از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ چنان‌که در روایتی از ابن عباس نقل شده که می‌گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله معاذبن جبل را به سوی مردم یمن فرستاد، به او گفت: همانا تو به سوی قومی می‌روی که از اهل کتاب‌اند. لذا بر عهده توست که در ابتدا آنها را به سوی یگانگی خداوند متعال دعوت کنی و زمانی که آن را شناختند، به آنها بگویی خداوند بر شما پنج نماز در شبانه روز واجب کرده است. پس هنگامی که آن را به جا آوردند، به آنها بگو خداوند متعال بر شما زکات بر اموالتان را فرض کرده است که از ثروت‌مندانان گرفته و به فقرا داده می‌شود و زمانی که بدان اقرار کردند، [زکات اموالتان را] از آنها بگیر (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱۴، ح ۷۳۷۲).

در جهت عمل به احکام قرآن، سلسله احکام و قوانینی وجود دارد که اگر یک‌باره بر تازه‌مسلمانان عرب نازل می‌شد، آنها زیر بار وظایفی که در قرآن آمده، نمی‌رفتند و مانند یهود رفتار می‌کردند که تورات یک‌جا به ایشان نازل شد و آنها از پذیرفتن دستورهایش سر باز زدند؛ چنان‌که در روایتی از عایشه آمده است: «اولین سوره از مفصلات از بهشت و دوزخ حرف می‌زند؛ زیرا اگر اولین آیاتی که بر آنها نازل می‌شد، حرف از حلال و حرام می‌زد و می‌گفت شراب نخورید و زنا نکنید، آنها می‌گفتند ابداً شراب‌خواری را ترک نمی‌کنیم و ابداً زنا را رها نمی‌کنیم» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۸۵، ح ۴۹۹۲؛ نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲، ح ۱۱۴۹۴).

تدریج در تشریح یکی از اصول نزول احکام بر نبی مکرم صلی الله علیه و آله اسلام است و شاهد بر این معنا قول ابن عباس است که می‌گوید: «وَكَانَ صَحَابَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَتَّبِعُونَ الْأَحَدَثَ فَاَلْأَحَدَثَ مِنْ أَمْرِهِ: صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری از امر تازه ایشان پیروی می‌کردند». نیز همان‌طور که زهری می‌گوید: «وَإِنَّمَا يُؤَخِّدُ مِنْ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ بِالْآخِرِ فَالْآخِرِ: صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله دستورها و اوامر

ایشان را یکی پس از دیگری دریافت می‌کردند» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۸۴، ح ۱۱۱۳).

لذا این امر دلالت می‌کند بر اینکه تشریح غالب احکام مرحله‌ای و گام‌به‌گام بوده است و بر این اساس صحابه احکام را یکی پس از دیگری از رسول خدا ﷺ دریافت می‌کردند و حکم اولیه به‌صورت نهایی و یک‌باره بر آنان عرضه نمی‌شد (سویلیم، ۱۴۲۸ق، ص ۹-۱۰).

۳. تحلیل اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی

همان‌گونه که گفتیم، تدریج در «مرحله تشریح» امری متعارف در اسلام بوده و به اقتضانات در جامعه توجه داشته و گاه اجازه داده است مردم عرف و عادت غلط خود را ادامه دهند تا فضای فکری و اجتماعی مناسب برای «قانون جدید» و بیان حکم الهی فراهم آید. همچنین اسلام در «مرحله اجرا» به این اقتضانات توجه داشته و بدون در نظر گرفتن شرایط فرد، حکم خویش را با شدت و عنف بر او تحمیل نکرده تا مبادا عوارض ناگواری مانند تنفر از دین پیش آید (سروش محلاتی، ۱۳۹۵ش، ص ۲۷-۳۰). با نگاهی به روش قرآنی در بیان و اجرای دین و احکام آن و ادامه این روش در سنت نبوی و ائمه معصومین که مبتنی بر سه اصل ظرفیت مخاطب، نوع معرفت و عمق تغییر است، می‌توان به مبنای مهم نهفته در این روش پی برد که همان رعایت مدارا و رفق با مردم است؛ چراکه بر پایه تعالیم قرآن، دین دشواری تکلیف را تحمیل نمی‌کند: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند. شاید شکر او را به‌جای آورید ﴿مانده، ۶﴾ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۰). اصل حاکم بر قوانین دینی تسهیل و آسان‌گیری است: ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ در دین کار سنگین و سخت بر شما قرار ندارد ﴿حج، ۷۸﴾. ﴿وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ و ما هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم ﴿مؤمنون، ۶۲﴾. اسلام در دوره دعوت راه تدریج را انتخاب کرد تا طبع مردم از پذیرفتن آن گریزان نباشد و نیز دل‌ها در باره اجزای دعوت دچار تزلزل نشود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۵۷).

مدارا به‌عنوان یک اصل مورد توجه رسول خدا نیز بود. در مدینه، حضرت با آنکه قدرت حاکمیتی یافته بود، به جهت نوپا بودن اسلام و با وجود تحریکات فراوان منافقان، سیاست مدارا با آنان را پیشه کرده، در عین کنترل اوضاع بر آنان سخت‌گیری نمی‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۵۱). هنگامی که رسول خدا ﷺ معاذبن جبل را به‌سوی مردم یمن که اهل کتاب بودند، فرستاد، به او

فرمود: «یسر و لا تعسر و بسر و لا تنفر: [بر مردم] آسان گیر و سخت نگیر و نویددهنده باش و گریزان‌کننده مباش» (ابن‌هشام، بی‌تا، ص ۵۹۰). رسول خدا ﷺ در دعوت اهل‌کتابی که در یمن بودند، به رفق عمل کرد تا به این وسیله تثبیتی در ایمان و نفوسشان پدیدار شود (سویلیم، ۱۴۲۸ق، ص ۱۲). ایشان همچنین به دیگر یاران و پیروانش فرمود: «یسروا و لا تعسروا و بسرّوا و لا تنفروا: بر مردم آسان بگیرید و سخت نگیرید و نویددهنده باشید و گریزان‌کننده نباشید» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۷۳؛ مسلم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۸۵). از این روست که پیامبر خدا ﷺ تأکید می‌کند: ای علی، همانا این دین متین و محکم است. در آن با نرمی وارد شو و عبادت پروردگارت را مبعوض خود مگردان؛ زیرا خسته‌کننده مرکب [کسی که در راندن مرکب زیاده‌روی کرده] نه مرکب باقی گذارد، نه مسافت پیموده‌شده را... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۷).

اصل رعایت حال مردم و توجه به اقتضانات به‌منظور رفق و مدارا با مردم تنها ویژه عصر نزول قرآن و حضور معصوم نیست، بلکه فقهای عصر غیبت نیز آن را به‌عنوان اصلی تربیتی پذیرفته‌اند؛ زیرا تدریج در تبلیغ قوانین یک امر متعارف عقلی است و قانون، شریعت و حکم برای اجرا در جامعه و انتظام بخشیدن به زندگی اجتماعی است و در صورت نبود ظرفیت بیان و اجرا نه‌تنها کمکی به تنظیم روابط انسان‌ها نمی‌کند، بلکه ممکن است ارزش و اعتبار آن قانون و حکم نیز از بین برود.

میرزای آشتیانی در الرسائل‌التسع نگاهی تربیتی به این موضوع می‌اندازد و در این‌باره می‌گوید: «اسلام احکام خود را تدریجاً ارائه کرده تا در مردم میل و رغبت به پذیرفتن آنها به وجود آید؛ چراکه اکثر انسان‌ها انگیزه‌های قوی برای تن دادن به تکالیف ندارند و اگر سهولت رعایت نشود، از شریعت فاصله می‌گیرند» (آشتیانی، ۱۳۸۳ش، ص ۹۱).

شیخ انصاری با در نظر گرفتن مبنا در بیان تدریجی احکام می‌گوید: همان‌گونه که اصل بیان تکالیف به تدریج صورت گرفته و با اینکه همه مکلفان دارای تکلیف واحدند، تقیید و تخصیص برای ادله عام و مطلق هم تدریجاً صورت گرفته و مردم برای ترک برخی واجبات یا انجام برخی محرمات به اقتضای حکم ظاهری، آزاد گذاشته شده‌اند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۹۵).

بنابراین می‌توان گفت نه‌تنها «سیر تدریجی» تحول در رفتار انسان‌ها تا رسیدن به نقطه مطلوب دین، معقول تلقی شده، بلکه بالاتر از آن امری لازم و ضروری شمرده شده که بی‌اعتنایی به آن پیامدهایی منفی دارد. امام خمینی درباره پیامدهای منفی بی‌توجهی به سیر تدریجی تغییر و تحول

در انسان‌ها می‌فرمایند: «بی‌توجهی به این سیر به "فساد" می‌انجامد. برای اینکه چنین فسادى در جامعه اتفاق نیفتد و دین‌گریزی رخ ندهد، باید با بیان تدریجی احکام، گاه آنچه حرام است، آزاد گذاشته شود؛ چراکه اگر احکام شرعیه یک‌باره صادر شود، موجبات فساد و تباهی در میان مردم را به وجود می‌آورد. ممکن جعل الإباحة فی مورد فيه اقتضاء الحرمة و النهی و لکن یمنع مانع عن النهی عنه فعلاً، فإن الأحكام الشرعیة لم تصدر دفعة واحدة؛ لاستلزامه الفساد، بل صدرت تدریجاً فی مدّة مدیة...» (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۶۴).

به دلیل چنین مصلحتی، شرع مقدس از احکام واقعی خود صرف‌نظر می‌کند تا مبادا اصرار بر رعایت «احکام واقعی»، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های مناسب اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی به عوارض منفی از قبیل «دین‌گریزی» بینجامد. آیت‌الله خوئی در این زمینه می‌گویند: احکام دینی به تدریج بیان شده تا دین‌داری بر مردم تسهیل شده و به شریعت رغبت و تمایل پیدا کنند و این مصلحت تسهیل و ترغیب از مصلحت ملاکات واقعی احکام که از دست می‌رود، قوی‌تر و مهم‌تر است (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۸۳).

رسول خدا ﷺ بیشتر احکام را برای مردم بیان کرد؛ ولی به عللی همچون مساعد نبودن شرایط برای اجرای برخی احکام، بعضی از آنها را به همه مردم ابلاغ نکرد. از این‌رو برخی فقها معتقدند مصلحت الهی مقتضی آن است که تعدادی از احکام تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پنهان باشد و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه آنها را به مردم ابلاغ و اجرا خواهد کرد و شاید مراد از روایاتی که می‌گوید امام زمان عجل الله تعالی فرجه دینی جدید می‌آورد، آشکار کردن این تعداد از احکام است. این مسئله منافاتی با وظیفه ابلاغ و همچنین ادله اکمال دین ندارد؛ زیرا اقتضای شرایط و محیط نزول و همچنین دوره کوتاه رسالت پیامبر به‌طور طبیعی امکان اجرای همه احکام را میسر نمی‌کرد. از این‌رو تخصیص و تبیین برخی احکام به ائمه و اگذار شد (نورمفیدی، ۱۳۹۴).

یکی از چالش‌های جدی عصر حاضر و دوره غیبت معصوم نیز توجه به شرایط و مقتضیات و زمینه‌های اجرای احکام است؛ زیرا هرچند دوره تشریع را پایان‌یافته بدانیم، فرد و جامعه اسلامی درصدد اجرای تعالیم و احکام دین‌اند. رعایت تدریج به‌منظور رفق و مدارا با اصول تربیتی قرآنی همخوانی دارد و همسو با سیره معصومان است و رعایت نکردن آن به جهت ظرفیت مختلف افراد، سطوح مختلف معرفت دینی و شرایط زندگی متفاوت زیان‌بار است؛ اما تعیین حد آسان‌گیری به‌منظور رفق و مدارا و موضع اجرای آن یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی روز شمرده می‌شود (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶).

نتیجه

۱. شیوه تدریجی تعلیم و تربیت قرآن بر اساس اصول سه‌گانه ظرفیت مخاطب، نوع معرفت و عمق تغییر بود تا جامعه آمادگی کامل برای جذب و پذیرش آن داشته باشد؛
۲. روش قرآنی تربیت تدریجی در سیره نبوی و ائمه نیز ادامه یافت. آنها نیز از همان اصول سه‌گانه بر اساس شرایط زمانی و مکانی محیط خود بهره بردند؛
۳. تحلیل اصول سه‌گانه تعلیم و تربیت تدریجی بر مبنای عقلانی رفق و مدارا با مردم استوار است تا موجب تنفر و دین‌گریزی آنها نشود؛
۴. هرچند عصر تشریح احکام با توجه به عدم حضور معصوم به پایان رسیده و دیگر نمی‌توان توقع داشت که در مورد بقیه انسان‌ها بار دیگر تشریح تدریجی رخ دهد، به لحاظ «اجرای تدریجی برخی احکام» می‌توان به این اصول و روش تربیتی پایبند بود.

فهرست منابع

* قرآن کریم؛ ترجمه مکارم شیرازی.

۱. ابن هشام (بی‌تا)، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دارالمعرفه.
۲. اسلامی، رضا (۱۳۸۴ش)، مدخل علم فقه ادوار، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
۳. امینی، مریم (۱۳۹۵)، «بررسی سیر تدریجی تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر در قرآن»، همایش بین‌المللی علوم اسلامی علوم انسانی، آذر، تهران، نمایه‌شده در: www.sid.ir
۴. ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰)، فقه پژوهی قرآنی: درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام، تحقیق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، قم: بوستان کتاب: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. آشتیانی، محمدحسن (۱۳۸۳ش)، الرسائل التسع، قم: المؤتمر العلامة الأشتیانی.
۶. انصاری، مرتضی‌بن محمد امین (۱۴۲۸ق)، فرائد الأصول، ط ۹، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۷. اسماعیلی‌زاده، عباس و محمد مهدی آجلیان مافوق (۱۳۸۹)، «رهیافتی نو بر نحوه تعلیم اعتقادات، اخلاق و احکام در سیر نزول قرآن»، ش ۸۵، پاییز و زمستان، ص ۵۱ - ۸۴.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، شرح و تعلیق مصطفی دیب البغا، بی‌جا: دار طوق النجاة.
۹. بازرگان، مهدی (۱۳۸۶)، مجموعه آثار (۱۳): سیر تحول قرآن (۲)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. سعیدی، فریده (۱۳۹۳)، «حجاب»، دانشنامه جهان اسلام، نمایه‌شده در: <https://rch.ac.ir>
۱۱. جعفری، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی سیر تاریخی وجوب حجاب در صدر اسلام»، دوفصلنامه علمی - تخصصی، مطالعات پژوهشی زنان، دوره ۲، ش ۱، بهار و تابستان.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، قم: انتشارات دلیل ما.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌البتین علیه‌السلام، قم: مؤسسه آل‌البتین علیه‌السلام.
۱۴. حکیم، سید محمد باقر و محمدعلی لسانی فشارکی (۱۳۷۸ش)، علوم قرآنی، تهران: تبیان.
۱۵. خوئی، ابوالقاسم (بی‌تا)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

۱۶. _____ (۱۴۲۲ق)، محاضرات فی أصول الفقه، تقریرات محمد اسحاق فیاض، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۱۷. خمینی، روح الله (۱۴۱۸ق)، تنقیح الأصول، تقریرات حسین تقوی اشتهااردی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۸. رامیار، محمود (۱۳۶۹)، تاریخ قرآن، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
۱۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی جا، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن؛ بیروت، دار المعرفه.
۲۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، الإتقان فی علوم القرآن، ط ۲، بیروت، دار الکتب العربی.
۲۲. سویلم، سامی بن ابراهیم (۱۴۲۸ق)، فقه التدریج فی تطبیق الاقتصاد الاسلامی، بی جا، بی نا.
۲۳. سروش محلاتی، محمد (۱۳۹۵ش)، دولت و اجرای شریعت، ج ۲، تهران، نشر نی.
۲۴. شهابی، محمود (۱۴۱۷ق)، ادوار فقه، ج ۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. عبدالمحمدی، حسین (۱۳۸۵)، «سیره تبلیغی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از منظر قرآن کریم»، مجله کوثر معارف، س ۲، ش ۱، دی، ص ۸۵-۱۰۶.
۲۷. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، ج ۶، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۹. قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۳۰ق)، القوانين المحکمه، تحقیق رضا حسین صبیح، قم، احیاء الکتب الاسلامیه.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ط ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۳۱. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۲)، ربا در قرآن کریم، تقریر و تنظیم سیدجواد حسینی خواه، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار.
۳۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸ش)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

۳۳. _____ (۱۳۸۲)، تاریخ قرآن، چ ۵، تهران: سمت.
۳۴. _____ (۱۳۸۱ش)، علوم قرآنی، چ ۴، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
۳۵. معارف، مجید (۱۳۸۳ش)، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران، نباء.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، تحقیق و تصحیح مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۷. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، ط ۲، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، تدوین و نگارش عبدالحکیم سلیمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، صحیح مسلم، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. نسائی، أحمد بن شعیب (۱۴۲۱ق)، السنن الكبرى، تحقیق حسن عبدالمنعم شلبي، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴۲. همت بناری، علی (۱۳۹۶)، «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی: عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت»، مطالعات فقه تربیتی، دوره ۴، بهار و تابستان، ص ۳۷-۶۲.

منابع منتشر نشده

۴۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۶)، درس‌گفتارهای دروس خارج فقه تربیتی، قم، بازیابی شده از: <http://www.eshia.ir/feqh>
۴۴. نورمفیدی، سیدمجتبی، بی تا، درس‌گفتارهای دروس خارج فقه (جلسه سی ام)، قم، مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه، ۱۳۹۴/۰۹/۰۲، بازیابی شده از: www.m-noormofidi.com